

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه  
۳۱ می ۲۰۲۴



یونس نگاه

## محرومیت و بی‌سوادی دشمن است

آنچه را که در پستی که شریک کرده‌ام نقل شده تعصبی است که اشرافیت و درباریان ترویج کرده‌اند. چون اشراف و درباری‌ها- پشتون و غیر پشتون- به فارسی صحبت می‌کردند، این ادبیات نفرت به زبان فارسی علیه هزاره مانده است و متأسفانه بین توده مردم کابل نشین هم سرایت کرده است. یعنی این تعصب قومی نیست بلکه قشری و اشرافی است. در زبان تاجیک‌های بغلان و تخار و بدخشان بندرت دشنام‌های قومی علیه هزاره شنیده می‌شود و اگر شنیده هم شود از کابل و دربار و بازار وابسته به اشرافیت رفته است.

تاجیک و هزاره نزدیکترین گروه‌های قومی اند. زبان مشترک دارند، در خیلی جاها خون مشترک دارند، زمین و قریه مشترک دارند و در بخش‌هایی از کشور چهره، پوشش و زبان هزاره و تاجیک نیز قابل تفکیک نیست. گذشته از آن هزاره و تاجیک مشترکات فرهنگی فراوان دارند. فراوان هم صفت مناسب نیست. از بسیاری جهات هم فرهنگ‌اند. نفرت‌های بازاری و قشری را باید معیار قرار ندهیم.

در آینده احتمال این که هزاره و تاجیک باهم چنان خلط شوند که دیگر به آسانی تفکیک نشوند، بسیار زیاد است. در واقع در افغانستان شانس اتحاد و درهم‌تنیدگی تاجیک و هزاره بسیار بالا است.

وقتی کمی مناسبات شهری افزایش یابد و زندگی بدوی و روستائی کم‌رنگ شود، فاصله قومی بین تاجیک و هزاره‌های سنی حتماً رفع خواهد شد. بعد وقتی جامعه سکولاریزه شود و مذهب سیاسی رنگ ببازد، تاجیک‌ها و باقی هزاره‌ها نیز با هم مدغم خواهند شد. در آینده وقتی مردم افغانستان از مرحله قبیله‌ئی بگذرند قومیت‌ها با مفهوم امروزی فراموش خواهد شد و زبان و فرهنگ شناسه اصلی خواهد بود. آن وقت مردم فارسی‌وان در سراسر افغانستان با هم خلط خواهند شد.

در عین حال وقتی دولت دمکراتیک ایجاد شود و نظام سیاسی از مذهب و قومیت فاصله بگیرد، بخش‌هایی از مردم هزاره و تاجیک با پشتون‌ها خلط خواهند شد. بخشی از هزاره‌های جنوبی چون ارزگان، مالستان، قره‌باغ، جاغوری و

بهسود به احتمال زیاد با پشتون‌ها بیشتر از تاجیک‌ها خلط خواهند شد. همین‌طور پشتون‌های شمال با تاجیک‌ها و هزاره‌ها و ازبیک‌ها بسیار نزدیک و در خیلی از موارد مدغم خواهند شد.

برای آن‌که هزاره‌ها در شهرها و میان اشرافیت اداری و بازاری‌ها جای بیابند و سنت بازمانده از دوران عبدالرحمانی‌ها کم‌رنگ شود، باید تعلیم کنند، مناسبات شهری را در اجتماع خود ترویج کنند، اقتصاد خانواده‌های شان را انکشاف دهند و در مجموع جایگاه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود را ارتقا دهند. محرومیت و انزوا چرخه ویرانگری است. محرومیت تحمیلی باعث انزوا و در نتیجه تعبیض شده است. انزوا و تبعیض باز هم به محرومیت می‌انجامد. دشمن مردم هزاره این حلقه خبیثه محرومیت، انزوا و فقر است. نه تاجیک و نه پشتون دشمن هزاره است. مردم هزاره باید برای خود آینده ای جدا از اقوام دیگر تصور نکنند. برای شکستن حلقه محرومیت و انزوا و فقر تلاش ورزند. وقتی سیر و تحصیل کرده و صاحب هنر شوید افغانستان چی که جهان برای تان آغوش باز و پذیرا خواهد داشت.

تصور آینده ای جداگانه برای هزاره و تاجیک نه خوب است و نه ممکن. این دو گروه از انسان‌های وطن ما حتماً آینده ای مشترک خواهند داشت.